

شاهرخ زمانی بر اثر اعتصاب غذا زیر سرم است!!!



اذیت و آزار شاهرخ زمانی توسط شکنجه گران وزارت اطلاعات در هماهنگی با مسئولین قوه قضائیه و سازمان زندانها شدیداً ادامه دارد، ماموران عالی رتبه برای خفه کردن صدای اعتراضی زندانیان کارگری و سیاسی و در جهت انتقام گیری از مبارزات زندانیان که در یک مورد با همکاری های خود با زندانیان دراویش باعث شدند، جمهوری اسلامی نتواند خواسته های خود را به راحتی به دراویش زندانی تحمیل کند، اتحاد زندانیان سیاسی و کارگری با دراویش باعث شکست بسیاری از برنامه های وزارت اطلاعات شد ، اکنون ماموران عالی رتبه تصمیم دارند، افرادی را که فعالیت شان در زنده شدن و گسترش اعتراضات و شکایات زندانیان تاثیر گذار بوده است ، ضمن جدا کردنشان از بقیه زندانیان سیاسی آنها را به اشکال مختلف تنبیه کنند. به دنبال چنین تصمیمی بود که شاهرخ زمانی را در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ به بهانه دادگاه از سالن ۱۲ خارج کرده به سلول انفرادی در زندان قزل حصار منتقل کردند، (مبارزه متحدانه زندانیان باعث شده است که ماموران نتوانند بدون اعلام دلیل و محل خاص زندانیان را از سالن دوازده خارج کنند.) شاهرخ قیل از انتقال به قزل حصار در حمایت از اعتراضات دراویش همراه با تعدادی از زندانیان سیاسی سه روز در اعتصاب غذا بسر می برد. و به محض انتقال به زندان قزل حصار این بار در جهت اعتراض به انتقال خود اعتصاب غذا را ادامه داد، او ۸ روز در سلول انفرادی به سر برده و دو روز پیش به عمومی انتقال یافته و امروز بخاطر ضعف جسمانی زیر سرم قرار دارد.

مردم با هر گونه مشکلاتی که دارند و بخصوص در جهت مخالفت با جمهوری اسلامی (که تلاش دارد از برگزاری مراسم های نوروزی جلو گیری کند یا در مقابل آن سنگ اندازی نماید) مشغول تهیه مقدمات و برگزاری مراسم های عید نوروز هستند، جنایات کاران جمهوری اسلامی فرصتی بدست آورده اند، تا ضمن عملی کردن برنامه های سازمان یافته خود در جهت سرکوب مردم، فعالین کارگری و سیاسی و بخصوص زندانیان سیاسی از مردم به خاطر حمایت های که از مبارزات کارگران ، زنان ، دانشجویان و مبارزات مختلف علیه جمهوری اسلامی و برگزاری مراسم های عید، همچنین حمایت های که از مبارزات اخیر دراویش انجام دادند، انتقام بگیرد. گوشه ای از این انتقام گیری به دلیل پیش برد مبارزات در زندان گوهر دشت و حمایت های شاهرخ از روز جهانی زن ، مبارزات کارگران در کارخانجات ، حمایت از اعتصابات ، دادن گزارش ها ، نوشتن شکایات ، ... و حمایت از مبارزه دراویش نصیب شاهرخ شده است. ماموران جمهوری اسلامی خانواده و دوستان شاهرخ را تحت فشار و تهدید قرارداده اند، چنان که آنها نمی توانند تلفن های خود را جواب بدهند، یا بیشتر شان تلفن های خود را خاموش کرده اند.

ما با توجه به شرایط خاصی که در جریان است از تمامی دوستان و رفقا که از کانالها و روش های خاص خود اخباری از شاهرخ بدست می آوردند و به طور مستقل پخش می کردند که البته بسیار به جا و خوب بود ، می خواهیم بنا به اخباری که در دست داریم (اخباری دریافت کردیم که جمهوری اسلامی قصد پخش اخبار ساختگی در رابطه با زندانیان سیاسی بخصوص شاهرخ دارد.) از توزیع هر گونه خبر غیر موثق تا اطلاع ثانوی خود داری کرده و قبل از توزیع با ما در میان بگذارند تا با اطمینان بیشتری ، متحدانه و گسترده تر اقدام نماییم.

لازم است در رابطه با تئوری و تز خاصی که قدمت تاریخی دارد و این روزها علیه شاهرخ به کار برده می شود توضیحی داده شود، برخی از دوستان البته از روی دلسوزی و محبت می گویند اذیت و آزار و شکنجه های که توسط ماموران علیه شاهرخ بکار برده می شود، تقصیر خود شاهرخ است، آنها می گویند اگر ساکت باشد، اگر کمتر حرف بزند، کمتر اعتراض کند ، یا از ماموران ، دادگاه ها شکایت نکند و مانند بسیاری از زندانیان دستورات و قوانین را قبول نماید، آنها نیز او را اذیت و شکنجه نخواهند کرد، بنا براین راحتتر محکومیتش تمام می شود. بسیاری از این دوستان بنا به چنین دلایلی حاضر نیستند از شاهرخ دفاع و یا حمایت کنند، هر چند می تواند، این گفته ها از روی دل سوزی و با نیت خیر باشد، اما دقیقاً "هم جهت با خواست و نیاز جمهوری اسلامی است. حاصل چنین تئوری و تبلیغات، محکوم کردن شکنجه شونده و حمایت از شکنجه گر است ،حتی بسیاری از این دوستان با ژست های ازادخواهانه اعلام می کنند، با اعدام هر مجرمی مخالف هستیم. ولی از شاهرخ می خواهند سکوت پیشه کند. جواب شاهرخ به این دوستان چنین است :

"البته که اگر نصایح شما دوستان را به کار ببندم می توانم خیلی زود آزاد شوم و مثلاً" آقای چوخ بخت یار باشم، اما با آگاهی طبقاتی که کسب کردم چه کنم؟

۱- دوستان با تکیه به تئوری که از من می خواهید سکوت کنم، می توان گفت ، اگر مردم و انقلابیون المان و کل اروپا و کل جهان در مقابل نازی ها و فاشیست ها تابع قانون می شدند و اعتراض و مبارزه نمی کردند بدون شک کشته نمی شدند، آن وقت سر نوشت نازی ها چه می شد؟ بنظر شما کشته شده ها مقصرند یا نازی ها؟

۲- اگر زندانیان دهه شصت تواب می شدند بدون شک قتل عام نمی شدند، اکنون به نظر شما افرادی که در کشتار های دهه شصت قتل عام شدند مقصرند یا جمهوری اسلامی؟
۳- اگر کارگران هفت تپه و یا کارگران شرکت واحد اعتصاب نمی کردند، بدون شک هفتصد نفر از آنها طی یک شب دستگیر نمی شدند ، بنظر شما کارگرانی که دستگیر شدند مقصرند یا دولت جمهوری اسلامی که آنها را دستگیر کرده است؟

۴- اگر کارگران خاتون آباد، یا کارگران معدنی در آفریقا دست به اعتصاب و اعتراض نمی زدند بدون شک به گلوله بسته نمی شدند ، به نظر شما کارگران که اعتراض کردند مقصر هستند، یا کسانی که دستور تیر اندازی دادند؟

۵- اگر رضا شهبابی ، بهنام ابراهیم زاده ، محمد جراحی ، پدram نصرالهی ، کارگران معدن چادرملو، کارگران پلی اکریل، کارگران پترو شیمی، کارگران نساجی ها، کارگران خودرو سازیها ، کارگران عضو سندیکا ها، کارگران عضو کمیته پیگیری ...، کارگران عضو کمیته هماهنگی ...، کارگران عضو اتحادیه ازاد کارگران و ... تابع قانون باشند و اعتراض نکنند بدون شک دستگیر نمی شوند ، به نظر شما این کارگران که در مقابل اعتراضات خود دستگیر می شوند مقصرند یا جمهوری اسلامی که آنها را دستگیر می کند؟

۶- من اعلام می کنم که حق با شماست که اگر من سکوت کنم ، اعتراض نکنم، شکایت نکنم و حق خودم و دیگر انسانها را طلب نکنم با هم نوعانم متحدانه مبارزه نکنم خیلی زود آزاد می شوم ، اگر در سالهای قبل از دستگیری فعالیت نمی کردم دستگیر نمی شدم ، اگر در نوجوانی وارد مبارزات ازادخواهانه نمی شدم، بدون شک آگاهی طبقاتی کسب نمی کردم و بدون شک وارد مبارزات طبقاتی نمی شدم و اگر وارد مبارزات طبقاتی نمی شدم و اگر این چنین نبودم یا یک فرد تابع ظلم می شدم و یا وارد حکومت اسلامی شده به ظالم تبدیل شده و امروز دارای مقام و رتبه و ثروتی گزاف بودم. حال شما بگوید کدام شاهرخ را قبول دارید؟ شاهرخی که ظالم باشد ،

شاهرخی که تابع ظلم باشد یا شاهرخی که جان خود را در کف دست گرفته در راه مبارزه طبقاتی با دشمن طبقاتی کارگران در نبرد باشد؟ از کدام دفاع می کنید؟ اگر قرار است هر مبارزی پس از زندانی شدن ساکت شود یعنی تابع فلسفه وجودی زندان شده است بنا براین دشمن از ساختن زندان به خواسته اش رسیده است، به نظر من اگر قرار است کسی مبارزه را شروع کند و با زندانی شدن سکوت پیشه کند یا تابع چهارچوبی شود که زندانیان مقرر کرده است بهتر است هرگز مبارزه را شروع نکند، در این رابطه نظر شما چیست؟" هر کس به اندازه ایمانی که به طبقه کارگر دارد و به اندازه ای که آگاهی طبقاتی دارد مبارزه و اعتراض می کند و بدون شک به اندازه مبارزانش هزینه می دهد. شاهرخ به اندازه وفاداریش و به اندازه آگاهی طبقاتیش در هر جاییکه باشد، مبارزه می کند، حالا ما نیز باید با میزان مبارزات و سطح آگاهی طبقاتی و ایمانی که به مبارزه طبقاتی داریم به دفاع از شاهرخ، رضا، بهنام، محمد، پدram، ... و دیگر کارگران زندانی به پا خیزیم. یا با تئوری های این چنینی از وظایف طبقاتی خود شانه خالی کنیم.

تئوری دوستان فوق همان تئوری بقاء در زمان شاه یا تایید کننده سیستم تواب سازی جمهوری اسلامی است که به عنوان بخش جانبی توجیهات جمهوری اسلامی در کشتار و قتل عام زندانیان بیان می شود، جمهوری اسلامی از زمان تولدش می گوید، اگر تابع قانون من باشید رافت اسلامی شامل حالتان خواهد شد، در غیر این صورت کشته خواهید شد.

ما ضمن رد تئوری و تبلیغات سکوت در مقابل ستم، اعمال سرکوب گرانه دستگاههای مختلف جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم و از تمامی مردم آزادی خواه، کارگران، فعالین کارگری، انقلابیون، زنان، معلمان، دانشجویان و جوانان و همچنین از دراویش می خواهیم از هر طریق ممکن برای آزادی کارگران و زندانیان سیاسی بخصوص در مقطع کنونی از شاهرخ زمانی دفاع کرده و دست به اعتراض بزنند و در ایام عید و در دید و بازدید های فامیلی و دوستانه خود ضمن پخش گسترده اخبار مبارزاتی کارگران و زندانیان به بحث پرداخته و پیشنهادات خود را برای جمع های موجود ارایه کنند، این زمان فرصت خوبی برای حمایت از زندانیان و یافتن راه های بهتر و بیشتر در جهت مبارزه و دفاع از آنها است.

پیش به سوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر

پیش به سوی اعتراضات گسترده تر با شعار

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۱۳۹۲/۱۲/۲۹

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com